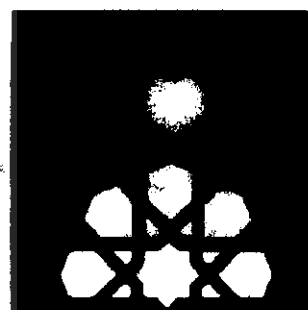




دو مقاله
پروژه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- رابطه مجلات تخصصی و ارتقای متخصصان در ایران
- شیوه‌های برون رفت از تنگناهای آموزش عالی دولتی



نگاه روز

■ رابطه مجلات تخصصی و ارتقای متخصصان در ایران

دکتر عباس خُزّی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیش‌نوشتار

اندیشه‌های بدیع در هر حوزه علمی تا زمانی که در معرض نقد و ارزیابی سایر متخصصان قرار نگیرد از منزلت علمی برخوردار نخواهد بود.^۱ نخستین شرط وقوع چنین امری، مکتوب کردن اندیشه و دسترس‌پذیر ساختن آن است.^۲ این دسترس‌پذیری از زمان شکل‌گیری اندیشه تا

علمی شدن آن مراحل را طی می‌کند که گرچه در کلیه موارد صادق نیست، ولی فرایند آرمانی آن محسوب می‌شود. اندیشه نو نخست در حلقه‌ای کوچک از متخصصان به بحث گذاشته می‌شود، سپس در سمینار،

۱. عباس خُزّی، «کتاب و عالم سوم پوپر»، نشریه علوم تربیتی، سال دهم، شماره ۴۳ (۱۳۶۶)، ص ۹.
۲. بریان مگی، پوپر، ترجمه منوچهر بزرگمهر (تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹)، ص ۸۰.

در چارچوب جراید و مطبوعات ملی و محلی سبب شده است که این گونه انتشارات نیز خود در معرض ارزیابی قرار گیرند و برای آنها مراتب متفاوت علمی تعیین شود. ملاک‌های رتبه‌بندی مجلات در جوامع گوناگون متفاوت است. برخی مجلات به تبع اعتبار سازمان‌ها و مجامعی که آنها را منتشر می‌کنند معتبر شناخته می‌شوند، برخی نشریات از سوی انجمن‌ها و ارگان‌های خاص ارزش‌گذاری و رتبه‌بندی می‌گردند، و برخی نیز به مرور زمان و به اعتبار مقالات موقری که در شماره‌ها و دوره‌های مختلف درج کرده‌اند از وجهه و منزلتی علمی که جامعه برای آنها قائل می‌گردد برخوردار می‌شوند.

در ایران، هر سه نوع مجله را می‌توان یافت، اما نوع خاص و تعریف شده‌ای از ارزش‌گذاری برای مجلات تخصصی وجود دارد که اعتبار یک مجله را می‌توان از طریق آن سنجید. این مجلات طی مراحل طی طریق وزارت فرهنگ و آموزش عالی تحت عنوان مجلات مورد تأیید، تعیین می‌گردند و با صفت‌هایی چون «علمی و پژوهشی»، «علمی و کاربردی»، «علمی و ترویجی» و «علمی و خبری» شناخته می‌شوند. درج مقاله در برخی از این گونه مجلات به تناسب نوع آنها، دلیل علمی و معتبر بودن نسبی مقاله تلقی می‌شود، و طبعاً از امتیاز بیشتری برخوردار است.

کنگره، یا کنفرانسی عرضه می‌گردد و از سوی مخاطبان معدودی به محک نقد و سنجش آزموده می‌شود. آنگاه به صورت مقاله‌ای در مجله در دسترس مخاطبانی گسترده‌تر قرار می‌گیرد^۱ و پس از آن که مبنایی نسبتاً استوار یافت به کتاب‌ها (اعم از دانشنامه‌ها، درسامه‌ها و...) راه می‌یابد.^۲

این فرایند، شکل پذیرفته شده کلاسیک و مطلوب علمی است، ولی به دلیل برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی، این مسیر در همه جوامع یکسان طی نمی‌شود. به طول مثال، ممکن است حلقه متخصصان به دلایلی از جمله بیم از سرقت اندیشه‌ای که هنوز مکتوب نشده است از این فرایند حذف شود، یا طرح اندیشه در یک گردهمایی به سبب عدم اطمینان نسبت به چاپ به موقع مجموعه مقالات آن دچار تأمل گردد. مجله دو مسئله، مورد اشاره پیشین را کم‌تر دارد و به همین دلیل، مطلوب‌ترین بستر برای طرح اندیشه‌های نوین تلقی می‌شود. بدیهی است فرهنگ نشر در جوامع مختلف در این زمینه نیز یکسان نیست. برخی منزلت کتاب را بیش از مقاله می‌دانند و این تلقی خود بر ارزش‌گذاری و در نتیجه، کیفیت این دو نوع محمل اطلاعاتی نیز اثر می‌گذارد. با این همه، اهمیت مقاله به عنوان نخستین محمل طرح اندیشه نو کم و بیش در جوامع مختلف پذیرفته شده است.

۱- بیان مسئله

تعدد مجلات منتشره در مقیاس جهانی و نیز

۱. عباس حری، مروری بر اطلاع‌رسانی (تهران: نشر کتابخانه) ص ۲۴۱.

۲. D.E.Davinson, *Periodicals*, 3rd ed, (London: Andre Deutsch, 1964), p.18.

۲- میان تعدادی از مجلات منتشر شده در حوزه‌های تخصصی و میزان ارتقای علمی متخصصان آن حوزه همبستگی مثبت برقرار است.

۳-۱- پرسش‌های اساسی

برای آزمون فرضیه‌های صورت بندی شده، لازم است به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱- میان تعداد مقالات اعضای هر حوزه تخصصی و تعداد مجلات آن حوزه چه رابطه‌ای برقرار است؟

۲- میان تعداد مجلات منتشر شده در هر حوزه تخصصی و ارتقای اعضای هیئت علمی آن حوزه چه رابطه‌ای وجود دارد؟

۳- میان تعداد مقالات تولید شده توسط اعضای هر حوزه تخصصی و تعداد مجلات مورد تأیید چه نوع همبستگی می‌توان یافت؟

۴- میان تعداد مقالات تولید شده و میزان ارتقای علمی متخصصان چه رابطه‌ای برقرار است؟

۵- همبستگی میان تعداد مجلات مورد تأیید و تعداد اعضای دانشیار به بالا در هر حوزه تخصصی چگونه است؟

۴- تعریف اصطلاحات

اصطلاحات مورد اشاره در این بررسی با معانی عملیاتی زیر به کار رفته است: مجلات مورد تأیید: به مجلاتی اطلاق شده

در مراکز آموزشی و پژوهشی کشور برای ارتقای اعضای هیئت علمی، داشتن مقاله یا مقالاتی که در این گونه مجلات درج شده باشند به معنای احراز بخشی از شرایط ارتقا تلقی می‌گردد، بخشی که چندان هم کم‌اهمیت نیست؛ زیرا گاه علی‌رغم کسب امتیازهایی بیش از سقف تعیین شده از فعالیت‌های دیگر، نداشتن مقاله در این گونه مجلات، ارتقای عضو هیئت علمی را دچار تعلیق یا تعویق می‌کند، حتی اگر تعداد مقالات درج شده در سایر مجلات قابل توجه باشد.

۲- هدف بررسی

هدف بررسی حاضر، کشف رابطه میان مقالات منتشره و تعداد مجلات مورد تأیید در حوزه‌های تخصصی از یک سو و میزان ارتقای اعضای هیئت علمی در آن حوزه‌ها از سوی دیگر است. هر گاه رابطه‌ای معنادار میان این متغیرها وجود داشته باشد، می‌توان در برنامه‌ریزی‌های علمی مراکز آموزشی و پژوهشی از آن بهره جست.

۳- فرضیه‌های پژوهش

برای بررسی حاضر، دو فرضیه تدارک دیده شده است:

۱- میان تعداد مقالات تولید شده در حوزه‌های تخصصی و میزان ارتقای علمی متخصصان، رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

است که وزارت فرهنگ و آموزش عالی آنها را به طور رسمی تأیید کرده باشد.

مقالات تولید شده: ناظر بر مقالاتی است که توسط اعضای علمی تهیه شده و در مجلات به چاپ رسیده باشد.

ارتقای علمی: اشاره به تغییر مرتبه از استادیاری به دانشیاری و از دانشیاری به استادی در مراکز آموزشی و مرتبه‌های معادل آنها در مراکز پژوهشی است.

گروه‌ها (حوزه‌های) تخصصی: در اینجا، به طور مشخص به شش گروه علوم انسانی، فنی و مهندسی، پزشکی، علوم پایه، کشاورزی و هنر اطلاق شده است.

۵- روش کار

داده‌های خام مورد استفاده در این بررسی از «گزارش ملی تحقیقات سال ۱۳۷۱» شورای پژوهش‌های علمی کشور (منتشر شده در تابستان ۱۳۷۲)^۱ اخذ شده است. مبنای این گزارش، مطالعه گسترده و وضع موجود ۳۱۶ مؤسسه تحقیقاتی و دانشگاهی در سطح کشور است. در گزارش مورد اشاره، کلیه اجزا، عناصر و فعالیت‌های مرتبط با وضع موجود این مؤسسات گردآوری و گزارش شده است، اما در نوشته حاضر تنها اطلاعات مورد نظر این بررسی، یعنی وضعیت مقالات چاپ شده، اعضای هیئت علمی، مجلات مورد تأیید و کل مجلات گروه‌های تخصصی، بر حسب نیاز از گزارش مذکور اخذ شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

برای تهیه گزارش، ابتدا کلیه مؤسساتی

که به گونه‌ای در امور پژوهشی فعالیت دارند، اعم از دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی دولتی و غیردولتی شناسایی شده و پس از تهیه فهرست آنها، پرسشنامه‌هایی تدوین و برای یکایک آنها ارسال گردیده است. از میان ۵۸۵ مؤسسه شناسایی شده، ۳۱۶ مؤسسه به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند. عمده پرسشنامه‌های عودت داده شده، مربوط به مؤسسات کوچک خصوصی است که عملاً در تحقیقات فعال نبوده‌اند. اطلاعات مربوط به متغیرهای مورد مطالعه درج و با توجه به تنوع گروه‌های تخصصی، وضع کمی مجلات و نیز چگونگی ارتقای اعضای هیئت علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۶- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

یافته‌های بررسی حاضر را می‌توان به سه مقوله عمده مجلات منتشر شده، مقالات چاپ شده و وضع ارتقای اعضای هیئت علمی تقسیم کرد و به شرح زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

۶-۱- وضعیت مجلات منتشر شده

همان‌گونه که از داده‌های جدول ۱ بر می‌آید، کل مجلات منتشر شده مربوط به گروه‌های تخصصی ششگانه بالغ بر ۳۷۸ عنوان است^۲ که بیشترین تعداد عناوین (۷۵ درصد) فارسی و کم‌ترین آنها (دو درصد) به زبان

۱. گزارش ملی تحقیقات سال ۱۳۷۱ (تهران: شورای پژوهش‌های علمی کشور، تابستان ۱۳۷۲).

۲. پوری سلطانی، راهنمای مجله‌های ایران ۱۳۷۰ (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱).

جدول ۱- تعداد و درصد عناوین مجلات علمی بر حسب گروه‌های تخصصی

مجلات گروه‌ها	فارسی		لاتین		عربی		فارسی-انگلیسی		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
فنی و مهندسی	۷۲	۷۴	۲	۲	۰	—	۲۳	۲۴	۹۷
علوم پایه	۱۸	۹۰	۲	۱۰	۰	—	—	۰	۲۰
کشاورزی	۱۵	۶۸	۲	۹	۰	—	۵	۲۳	۲۲
علوم انسانی	۱۲۸	۷۷	۱۶	۹۰/۵	۶	۳۰/۵	۱۷	۱۰	۱۶۷
پزشکی	۱۸	۵۵	۲	۶	۰	—	۱۳	۲۹	۳۳
هنر	۳۴	۸۷	۱	۳	۰	—	۴	۱۰	۳۹
جمع	۲۸۵	۷۵	۲۵	۷	۶	۲	۶۲	۱۶	۳۷۸

۲۷ درصد) و پزشکی (با ۲۱ درصد) در مراتب دوم و سوم قرار دارند. کلیه مجلات عربی در حوزه علوم انسانی منتشر می‌شود.

۶-۲- وضعیت مقالات چاپ شده

همان‌گونه که از جدول ۳ برمی‌آید، بیشترین سهم مقالات چاپ شده فارسی به علوم انسانی تعلق دارد و علوم پایه و پزشکی در مراتب دوم و سوم قرار می‌گیرند. بیشترین سهم مقالات لاتین متعلق به فنی و مهندسی است و علوم پایه و علوم انسانی در مراتب بعدی هستند. در پنج گروه، گرایش عمدتاً به سوی تولید مقالات فارسی است. تنها در گروه فنی و مهندسی، مقالات لاتین (۶۶ درصد) بر مقالات فارسی (۳۴ درصد) غالب است. در مجموع، ترتیب تولید کلی مقالات عبارت است از: (۱) علوم انسانی، (۲) فنی و مهندسی، (۳) علوم پایه، (۴) پزشکی، (۵) کشاورزی و (۶) هنر.

عربی است. بیشترین درصد در هر یک از حوزه‌های تخصصی نیز متعلق به مجلات فارسی است که از ۹۰ درصد (علوم پایه) تا ۵۵ درصد (پزشکی) متغیر است.

جدول ۲ نشان می‌دهد که از ۲۸۵ مجله منتشر شده فارسی، ۴۵ درصد متعلق به علوم انسانی است که بالاترین سهم را داراست و سپس به ترتیب فنی، و مهندسی (۲۵ درصد)، هنر (۱۲ درصد)، علوم پایه و پزشکی در مرتبه برابر (هر یک ۶/۵ درصد) و کشاورزی (۵ درصد) قرار دارند. در مورد مجلات لاتین نیز علوم انسانی (با ۶۴ درصد) بالاترین سهم را داراست و در مراتب بعدی فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و پزشکی (با ۸ درصد) دارای سهم مساوی و هنر (با ۴ درصد) دارای پایین‌ترین رتبه است. در مورد مجلات به زبان، بیشترین سهم (۳۷ درصد) متعلق به فنی و مهندسی است و علوم انسانی (با

جدول ۲- توزیع مجلات علمی منتشر شده میان گروه‌های تخصصی

فارسی-انگلیسی		عربی		لاتین		فارسی-لاتین		مجلات گروه‌ها
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۷	۲۳	۰	—	۸	۲	۲۵	۷۲	فنی و مهندسی
۰	—	۰	—	۸	۲	۶/۵	۱۸	علوم پایه
۸	۵	۰	—	۸	۲	۵	۱۵	کشاورزی
۲۷	۱۷	۱۰۰	۶	۶۴	۱۶	۴۵	۱۲۸	علوم انسانی
۲۱	۱۳	۰	—	۸	۲	۶/۵	۱۸	پزشکی
۷	۴	۰	—	۴	۱	۱۲	۳۴	هنر
۱۰۰	۶۲	۱۰۰	۶	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	۲۸۵	جمع

درصد) و هنر (دو درصد) قرار دارند. از ۱۰ عنوان مجله تأیید شده لاتین، ۴۰ درصد متعلق به علوم انسانی است و فنی و مهندسی، علوم پایه، و پزشکی با سهم مساوی (۲۰ درصد) در مرتبه بعدی قرار دارند. سهم کشاورزی و هنر صفر است. بالاترین سهم تأیید شده‌های دو زبانه (۳۷/۵ درصد) به فنی و مهندسی تعلق دارد و علوم انسانی و پزشکی (با ۲۵ درصد) در مرتبه بعدی قرار دارند. سهم کشاورزی

۳-۶- وضعیت مجلات مورد تأیید کل مجلات مورد تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۱۳۰ عنوان است که از این میان، ۱۰۲ عنوان فارسی، ۱۶ عنوان دو زبانه، ۱۰ عنوان لاتین و دو عنوان عربی است. در مجلات فارسی، بالاترین رقم تأیید شده‌ها (۳۳ درصد) متعلق به علوم انسانی است و پس از آن، فنی و مهندسی (۲۲/۵ درصد)، پزشکی (۱۷/۵ درصد)، علوم پایه (۱۵ درصد)، کشاورزی (۱۰

جدول ۳- پراکندگی مقالات چاپ شده فارسی و لاتین در گروه‌های تخصصی

هنر		پزشکی		علوم انسانی		کشاورزی		علوم پایه		فنی و مهندسی		گروه‌ها مقالات
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۳	۹۷	۷۸۲	۹۲	۲۰۶۲	۸۲	۲۱۰	۶۳	۸۳۷	۳۴	۵۳۷	مقالات فارسی
۰	—	۳	۱۹	۸	۱۷۵	۱۶	۴۱	۳۷	۵۰۳	۶۶	۱۰۶۳	مقالات لاتین
۱۰۰	۳	—	۸۰۱	۱۰۰	۲۲۳۷	۱۰۰	۲۵۱	۱۰۰	۱۳۴۰	۱۰۰	۱۶۰۰	جمع

جدول ۴- توزیع مجلات علمی مورد تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی
میان گروه‌های تخصصی

مجلات	فارسی		لاتین		عربی		فارسی‌مانگلیسی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
فنی و مهندسی	۲۳	۲۲/۵	۲	۲۰	-	۰	۶	۳۷/۵
علوم پایه	۱۵	۱۵	۲	۲۰	-	۰	-	۰
کشاورزی	۱۰	۱۰	-	۰	-	۰	۲	۱۲/۵
علوم انسانی	۳۴	۳۳	۴	۴۰	۲	۱۰۰	۴	۲۵
پزشکی	۱۸	۱۷/۵	۲	۲۰	-	۰	۴	۲۵
هنر	۲	۲	-	۰	-	۰	-	۰
جمع	۱۰۲	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲	۱۰۰	۱۶	۱۰۰

ب - استادان: (۱) علوم انسانی، (۲) علوم پایه، (۳) کشاورزی، (۴) و (۵) پزشکی / فنی و مهندسی و (۶) هنر.

جدول ۶ حاکی است که ۱۳۰ عنوان از ۳۷۸ عنوان مجله تخصصی (یعنی ۳۹ درصد)، مورد تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار گرفته است. از لحاظ تقسیمات زبانی، در واقع ۳۶ درصد از مجلات فارسی، ۷۰ درصد از مجلات لاتین، ۳۳ درصد از مجلات عربی و ۲۶ درصد از مجلات دو زبانه مورد تأیید قرار گرفته است. از لحاظ توزیع در گروه‌های تخصصی، به ترتیب ۸۵ درصد مجلات علوم پایه، ۷۳ درصد مجلات پزشکی، ۵۴ درصد مجلات کشاورزی، ۳۲ درصد مجلات فنی و مهندسی، ۲۶ درصد مجلات علوم انسانی و پنج درصد مجلات حوزه هنر مورد تأیید قرار گرفته است.

۱۲/۵ درصد و علوم پایه و هنر صفر درصد است.

۴-۶- وضعیت اعضای هیئت علمی

همان‌گونه که از جدول ۵ برمی‌آید، از کل ۲۷۲۷ عضو هیئت علمی استادیار به بالا، بیشترین سهم متعلق به مرتبه استادیاری است و دانشیاران با ۳۷۱ نفر در مرتبه دوم و استادان با ۲۹۷ نفر در مرتبه سوم قرار دارند. بیشترین تعداد دانشیار متعلق به حوزه علوم انسانی و کمترین آنها متعلق به حوزه هنر است. در مرتبه استادی نیز همین ترتیب مشاهده می‌شود. اگر این دو مرتبه علمی را براساس سیر نزولی مرتب کنیم چنین ترتیبی را در گروه‌های تخصصی خواهیم داشت:

الف - دانشیاران: (۱) علوم انسانی، (۲) فنی و مهندسی، (۳) کشاورزی، (۴) پزشکی، (۵) علوم پایه و (۶) هنر.

جدول ۵- توزیع مراتب استادیار به بالا در گروه‌های تخصصی

گروه‌ها مراتب دانشگاهی	فنی و مهندسی	علوم پایه	کشاورزی	علوم انسانی	پزشکی	هنر	جمع
استاد	۳۴	۶۴	۴۱	۷۱	۳۴	۳	۲۹۷
دانشیار	۱۰۱	۷	۷۴	۱۲۲	۶۵	۲	۳۷۱
استادیار	۵۶۹	۳۷۰	۲۱۲	۳۳۶	۵۴۶	۲۶	۲۰۵۹
جمع	۷۰۴	۴۴۱	۳۲۷	۵۲۹	۶۴۵	۳۱	۲۷۲۷

تعداد مجلات تأیید شده متعلق به حوزه علوم انسانی است، ولی بیش‌ترین درصد تأیید شده‌ها نسبت به کل مجلات هر حوزه تخصصی به علوم پایه تعلق دارد.

توزیع زبانی مجلات در گروه‌های تخصصی حاکی است که بالاترین سهم مجلات فارسی تأیید شده (۱۰۰ درصد) متعلق به حوزه پزشکی و سپس به ترتیب علوم پایه (۸۳ درصد) و هنر (شش درصد) است. ۱۰۰ درصد مجلات لاتین تأیید شده متعلق به فنی و مهندسی، علوم پایه و پزشکی است. در مجموع، اگرچه بالاترین

۷- پرسش‌های اساسی

پرسش (۱) - میان تعداد مقالات هر حوزه تخصصی و تعداد مجلات آن حوزه چه

جدول ۶- مقایسه بین مجلات منتشر شده و مجلات مورد تأیید در گروه‌های تخصصی

مجلات گروه‌ها	فارسی			لاتین			عربی			فارسی - انگلیسی			جمع	
	کل	مورد تأیید	نسبت درصد	کل	مورد تأیید	نسبت درصد	کل	مورد تأیید	نسبت درصد	کل	مورد تأیید	نسبت درصد	کل	مورد تأیید
فنی و مهندسی	۷۲	۲۳	۳۲	۲	۲	۱۰۰	-	-	-	۲۳	۶	۲۶	۹۷	۳۱
علوم پایه	۱۱	۱۵	۸۳	۲	۲	۱۰۰	-	-	-	-	-	۰	۲۰	۱۷
کشاورزی	۱۵	۱۰	۶۶	۲	-	۰	-	-	-	۵	۲	۴۰	۲۲	۱۲
علوم انسانی	۱۲۸	۳۲	۲۶	۱۶	۴	۲۵	۲	۶	۳۳	۱۷	۴	۲۳	۱۶۷	۴۴
پزشکی	۱۸	۱۸	۱۰۰	۲	۲	۱۰۰	-	-	-	۱۳	۴	۳۰	۳۳	۲۴
هنر	۳۴	۲	۶	۱	-	۰	-	-	-	۴	-	۰	۳۹	۲
جمع	۲۸۵	۱۰۲	۳۶	۲۵	۱۰	۷۰	۶	۶	۳۳	۶۲	۱۶	۲۶	۳۷۸	۱۳۰

رابطه‌ای برقرار است؟

همان گونه که از جدول ۷ برمی آید، میان تعداد مقالات تولید شده در حوزه‌های تخصصی و تعداد مجلات آن حوزه، رابطه معنی داری وجود ندارد. به عبارت دیگر، نمی توان پیش بینی کرد که با افزایش یک متغیر، متغیر دیگر نیز افزایش خواهد یافت.

پرسش (۲) - میان تعداد مجلات منتشر شده در هر حوزه تخصصی و ارتقای اعضای هیئت علمی آن حوزه چه رابطه‌ای وجود دارد؟

همان گونه که از داده‌های جدول‌های ۵ و ۷ برمی آید، رابطه معنی داری میان تعداد مجلات منتشر شده و تعداد اعضای هیئت علمی دانشیار به بالا در کلیه حوزه‌ها وجود ندارد. این امر نشان می‌دهد که نمی توان اطمینان داشت که صرف افزایش کمی مجلات متعلق به حوزه‌های تخصصی، ارتقای علمی متخصصان آن حوزه‌ها را

تضمین کند.

پرسش (۳) - میان تعداد مقالات تولید شده توسط اعضای هر حوزه تخصصی و تعداد مجلات مورد تأیید چه نوع همبستگی می توان یافت؟

داده‌های مندرج در جدول ۷ حاکی از آن است که به جز یک مورد (علوم پایه)، میان دو متغیر تعداد مقالات تولید شده و مجلات مورد تأیید، همبستگی مثبت وجود دارد. این رابطه حاکی است که با افزایش تعداد مجلات مورد تأیید، می توان احتمال داد که تعداد مقالات تولید شده نیز افزایش خواهد یافت.

پرسش (۴) - میان تعداد مقالات تولید شده و میزان ارتقای علمی متخصصان چه رابطه‌ای برقرار است؟

با استفاده از داده‌های جدول ۷ می توان دریافت که میان تعداد مقالات تولید شده و میزان ارتقای اعضای هیئت علمی حوزه‌های تخصصی، همبستگی مثبتی در

جدول ۷- مقایسه میان تعداد مقالات و تعداد مجلات مربوط به گروه‌های تخصصی

گروه‌ها	فنی و مهندسی	علوم پایه	کشاورزی	علوم انسانی	پزشکی	هنر
مقالات و مجلات						
تعداد کل مقالات	۱۶۰۰	۱۳۴۰	۲۵۱	۲۲۳۷	۸۰۱	۳
تعداد کل مجلات	۹۷	۲۰	۲۲	۱۶۷	۳۳	۳۹
تعداد مجلات مورد تأیید	۳۱	۱۷	۱۲	۴۴	۲۴	۲

جدول ۸- مقایسه میان تعداد اعضای دانشیار به بالا و تعداد مجلات مورد تأیید

گروه‌ها مرتبه و مجله	فنی و مهندسی	علوم پایه	کشاورزی	علوم انسانی	پزشکی	هنر
دانشیار به بالا	۱۳۵	۷۱	۱۱۵	۱۹۳	۹۹	۵
مجلات تأیید شده	۳۱	۱۷	۱۲	۴۴	۲۴	۲

۸- نتیجه گیری

یافته‌های بررسی حاضر حاکی از آن است که مقالات تولید شده، مجلات متعلق به حوزه‌های تخصصی و وضعیت ارتقای اعضای هیئت علمی در میان رشته‌ها و گروه‌های مختلف بسیار متفاوت است، اما نتایج حاصل از جدول‌ها و نمودارها حاکی است که میان این متغیرها همواره رابطه معنی‌داری برقرار نیست؛ برخی متغیرها با یکدیگر همبستگی مثبت دارند، در برخی حوزه‌ها همبستگی از نوع منفی است و در مواردی نیز مقایسه کلی میان دو متغیر نشان‌دهنده معنی‌دار نبودن رابطه‌هاست. در مجموع، می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد:

- ۱- میان تعداد مقالات تولید شده و میزان ارتقای اعضای هیئت علمی مراکز آموزشی و پژوهشی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این دستاورد، فرضیه ۱ بررسی حاضر را تأیید می‌کند.
- ۲- در حوزه‌هایی که تعداد مجلات مورد تأیید آنها بیشتر است، میزان ارتقای اعضای هیئت علمی آن حوزه‌ها نیز بالاتر است. این نتیجه، فرضیه شماره ۲

همه حوزه‌ها برقرار نیست. به عبارت دیگر، می‌توان پیش‌بینی کرد که صرف فزونی مقالات تولید شده نمی‌تواند ارتقای مراتب علمی را در پی داشته باشد.

پرمش (۵)- همبستگی میان تعداد مجلات مورد تأیید و تعداد اعضای دانشیار به بالا در هر حوزه تخصصی چگونه است؟

جدول ۸ نشان می‌دهد که بیشترین تعداد اعضای دانشیار به بالا، متعلق به علوم انسانی و کم‌ترین آنها متعلق به حوزه هنر است و حوزه‌های فنی و مهندسی، کشاورزی، پزشکی و علوم پایه، به ترتیب در میان این دو قطب قرار دارند. مجلات تأیید شده این گروه‌ها به جز یک مورد (کشاورزی)، همین ترتیب را دنبال کرده است، یعنی بیشترین تعداد دانشیار به بالا، متعلق به حوزه‌ای است که بیشترین مجله تأیید شده را دارد و با توجه به داده‌های جدول ۸ می‌توان پیش‌بینی کرد که هر گاه تعداد مجلات مورد تأیید در یک حوزه افزایش یابد احتمال ارتقای اعضای هیئت علمی آن حوزه نیز افزایش، خواهد یافت.

علمی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی هستند، با عنایت به چنین ارزش‌گذاری‌هایی که در هیئت‌های ممیزه می‌شود، پیشاپیش برای محل درج مقالات خود برنامه‌ریزی می‌کنند. این امر دو پیامد دارد:

۱ - مجلات مورد تأیید با تراکم مقالات

روبه‌رو می‌شوند و این خود درج مقاله‌ها را به تأخیر می‌اندازد و سبب کهنگی موضوع می‌شود.

۲ - هجوم به این گونه مجلات، سایر مجلات (یعنی تأیید نشده‌ها) را از لحاظ علمی کم‌مقدار می‌کند، و این امر در درازمدت سبب افت علمی مخاطبان غیرمتخصص یعنی اقشار مختلف مردم جامعه می‌شود.

ج - همان گونه که در بخش تجزیه و تحلیل یافته‌ها آمده است، توزیع مجلات مورد تأیید میان حوزه‌های مختلف تخصصی یکسان نیست. هر گاه هر یک از حوزه‌های ششگانه مورد بررسی به زیر مجموعه‌های واقعی خود (یعنی رشته‌های دانشگاهی) تقسیم شوند، احتمالاً در خواهیم یافت که برخی زیر مجموعه‌ها اساساً فاقد مجله تأیید شده هستند.^۱ این بدان معناست که اعضای هیئت علمی باید از مجلات تأیید شده

تحقیق را مورد تأیید قرار می‌دهد.

۳ - به عنوان نتیجه‌ای جانبی می‌توان اشاره کرد که بالا بودن تعداد کلی مجلات متعلق به حوزه‌های تخصصی به معنای تضمین ارتقای اعضای هیئت علمی گروه‌های تخصصی نیست.

۹- بحث و نظر

یافته‌های بررسی حاضر در مجموع، حکایت از آن دارد که صرف تعدد مقالات تولید شده برای ارتقا به مراتب بالای آموزشی و پژوهشی کافی نیست، بلکه جایگاه درج آن مقالات حائز اهمیت بیشتری است. در واقع، از جمله ملاک‌های تعیین منزلت علمی مقاله، بستری است که مقاله در آن قرار می‌گیرد. حتی داده‌های کمی بررسی حاضر نیز چنین امری را تأیید می‌کند، اما چنین دستاوردی تبعاتی نیز در پی دارد که اشاره به آنها بی‌مناسبت نیست:

الف - گرچه اعتبار مجله، خود از جمله ملاک‌های تعیین منزلت علمی مقاله مندرج در آن است، اما این رویداد همیشه مقرون به صحت نیست. به عبارت دیگر، می‌توان مقالاتی را در مجلات مورد تأیید یافت که از مرتبه علمی چندان بالایی برخوردار نیستند و در مقابل، برخی مقالات مندرج در مجلات تأیید نشده از وزن و وقار علمی قابل اعتنایی برخوردارند.

ب - کسانی که در پی کسب مرتبه بالاتر

۱. رجوع کنید به: فهرست «اعتبار علمی مجلات داخلی مورد تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی، فروردین ۱۳۶۳ الی مرداد ۱۳۷۰». وزارت فرهنگ و آموزش عالی (پلی‌کی).

مقالات سایر مجلات نیز مورد ارزیابی قرار گیرند. گرچه این امر هم‌اکنون نیز در بررسی پرونده‌های ارتقا ملحوظ است، لیکن به گونه‌ای بایسته به این مقالات عنایت نمی‌شود.

۲- سیاستی اتخاذ گردد که رشته‌های مختلف آموزشی و پژوهشی بتوانند از حداقل تعداد مجلات مورد تأیید برخوردار شوند. این سیاست سبب خواهد شد که نوعی عدالت علمی - دست‌کم به طور نسبی - میان رشته‌های مختلف برقرار گردد.

در مورد پژوهش‌های آتی نیز می‌توان پیشنهادهایی ارائه کرد، از جمله این‌که:

الف - پراکندگی تعداد مقالات میان مرتبه‌های مختلف علمی بررسی شود تا فراوانی نسبی مقالات و نیز میزان باروری هر مرتبه تعیین گردد. ب - مجلات تأیید شده با دقت بیشتری میان رشته‌ها تقسیم شود تا به درستی معلوم گردد که سهم هر رشته از مجلات مورد تأیید تا چه پایه است.

ج - فهرست مقالات تولید شده تهیه و پراکندگی آنها میان مجلات تأیید شده و تأیید نشده بررسی شود تا بتوان یافته‌های پژوهش حاضر را محک زد و صحت و سقم یافته‌ها و نتایج به دست آمده را سنجید.

□ □ □

رشته‌هایی بهره‌مند شوند که سنجیت چندانی با رشته آنان ندارد و برای آن‌که توجیهی برای قبول مقاله خود بیافرینند، می‌کوشند آن را به نحوی به رشته میزبان پیوند دهند. این امر خود وجهه علمی مقاله را قربانی نوعی سیاست پیشگی جبری و تحمیل شده می‌سازد که به طور طبیعی مغایر با اهداف اصلی ارتقای علمی است.

د - برخی مجلات تأیید شده، بسیار شبیه روزنامه رسمی است که دادگستری برای درج آگهی حصر وراثت و از این قبیل از آن استفاده می‌کند و معمولاً از چهار دیواری دادگستری خارج نمی‌شود و ارزش آن در حد تکمیل اسناد پرونده و حصر وراثت است. این گونه مجلات تنها در بررسی پرونده‌های ارتقا و در حلقه کوچک هیئت‌های ممیزه مورد استفاده قرار می‌گیرد و حتی مخاطبان محدود پیش‌بینی شده آنها نیز چندان رغبتی به مطالعه آنها ندارند.

۱۰- پیشنهادها

با توجه به نتایج حاصل شده از بررسی حاضر، چنین به نظر می‌رسد که می‌توان راه‌هایی را برای صرفه‌جویی در وقتی که اعضای هیئت علمی صرف تهیه مقاله‌های خود می‌کنند توصیه کرد:

۱- صرف نظر از آنچه در باب مقالات مندرج در مجلات تأیید شده صورت می‌گیرد،